

لطف پروردگار ما عیسی مسیح و عشق به خدا و یاران روح القدس با همه ما باشد. آمین

خواهران و برادران عزیز ،

آیا این کشتی که جامعه نامیده می‌شود وجود دارد؟ آیا به هدف بزرگ دست می‌یابد؟ یا پایین می‌رود؟ آهنگی که تنها خواندیم از من پیرتر است. این فیلم به سال ۱۹۶۰ باز می‌گردد و حتی در آن زمان مارتین اشنايدر ، نویسنده این آهنگ از خودش این سوال را پرسیده است ، که ظاهراً موضوع مورد بحث خود را که توسط یکی از اعضای کلیسا که در هفته گذشته در سال ۲۰۱۹ منتشر شد ، از دست نداده است : کلیسای جامع از بقیه کلیساهای آلمان مستثنی نیست و کلیسای کاتولیک ما نیز بهتر نیست: این ارقام برای سال‌ها در حال کاهش بوده‌اند ، که عمدتاً به دلیل تعداد زیاد کلیساها است : تعداد افرادی که کلیسای جامع را ترک میکنند تا حدود ۲۳ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۲۸,۵۱۷ ( 2018 : 23,142 ) افزایش رفته است. این به طور متوسط نه ونیم از کل جماعت یا حداقل مناطق محله ای است که به سادگی از بین رفته اند. می‌توانید فکر کنید و بپرسید : این به کجا ختم خواهد شد؟

در آن زمان ، با عیسی بود ، همه چیز خیلی خوب شروع شده بود. انجیل لوقا در این باره در فصل 5 آنرا توضیح میدهد.

روخوانی انجیل لوقا باب ۵ آیات ۱-۳

۱. یک روز عیسی در کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود و مردم به طرف او هجوم آورده بودند تا کلام خدا را از زبان او بشنوند.
۲. عیسی ملاحظه کرد که دو قایق در آنجا لنگر انداخته‌اند و ماهیگیران پیاده شده بودند تا تورهای خود را بشویند.
۳. عیسی به یکی از قایقها که متعلق به شمعون بود سوار شد و از او تقاضا کرد که کمی از ساحل دور شود و درحالی‌که در قایق نشسته بود، به تعلیم مردم پرداخت.

همانطور که گفتم: همه چیز واقعاً خوب شروع شده است: جمعیت زیادی جمع شده بودند تا کلام واحد خدا را بشنوند. مسیح باید با چیزی شروع کند. نگاهش روی دو قایق ماهیگیری می‌افتد. وارد می‌شود و از شمعون که بعدها او را پطرس صدا خواهد زد ، می‌خواهد او را بیرون براند. او در قایق نشسته است تا کسی روی ساحل بایستد و او را ببیند. لوقا به ما نمی‌گوید که مسیح دقیقاً چه می‌گوید ، اما در فصل دوم به ما خواهد گفت که مسیح در کنیسه شهر خود چه می‌گوید: روح خداوند بر من است، او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مژده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کوران و رهایی ستم‌دیدگان را اعلام کنم و سال فرخنده خداوند را اعلام نمایم. (لوقا باب ۴ آیات ۱۹-۱۸).

## روخوانی انجیل لوقا باب ۵ آیات ۴-۵

۴. در پایان صحبت به شمعون گفت: به قسمت‌های عمیق آب بران و تورهایتان را برای صید به آب بیندازید.

۵. شمعون جواب داد: ای استاد، ما تمام شب زحمت کشیدیم و اصلاً چیزی نگرفتیم، اما حالا که تو می‌فرمایی، من توها را می‌اندازم. وضعیت عجیبی است. من تصور می‌کنم که چطور شمعون پطرس، که شاید یک ماهیگیر ساده باشد، اما کمی در مورد تور و ابزار خود باید آگاهی میداشت که پاره شده است. ماهیگیری در شب بهترین کار است، چون در طول روز ماهی می‌تواند توها را ببیند و از آن‌ها بهتر فرار کند. بنابراین اگر آنها چیزی را در شب ندیده اند، می‌توانید بفهمید که چه احتمالاتی برای آن در روزشانس آنرا بالا ببرد وجود دارد با این وجود، به نظر می‌رسد که عیسی مسیح چیزی را در پطرس شاهد بوده است چراکه او تسلیم می‌شود حتی اگر واقعاً بهتر می‌داند. چرا؟ شاید عیسی چیزی گفته است که باعث ایجاد لرزش در شمعون شده است، شاید این همان روشی بود که عیسی به او عمل کرد. به هر حال، شمعون این پیشنهاد را می‌پذیرد. و فکر می‌کنم این لحظه مهم در این داستان است. در اینجا، در این لحظه، شمعون تصمیم می‌گیرد به عیسی اعتماد کند، از او پیروی کند، کاری را انجام دهد که بر اساس گفته او انجام شود که طبق قضاوت انسان، در واقع کاملاً مزخرف است. و نکته باور نکردنی این است: این کار می‌کند!

## روخوانی انجیل لوقا باب ۵ آیات ۶-۷

۶. آنها چنین کردند و آن قدر ماهی صید کردند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود.  
۷. پس به همکاران خود که در قایق دیگر بودند اشاره کردند که به کمک آنان بیایند. ایشان آمدند و هر دو قایق را از ماهی پر کردند به طوری که نزدیک بود غرق شوند. وقتی اتفاقی از این دست می‌افتد که شما به هر دلیلی تصمیم می‌گیرید کاری انجام دهید چراکه در آن لحظه درست احساس می‌شود، معجزه‌ها ناگهان در میانه زندگی روزمره امکان پذیر می‌شوند، چنانکه ما به خدا فضا می‌دهیم که این کار را انجام دهد و چون ما انجام می‌دهیم درگیر خدا میشویم. و هنگامی که بعد از حیرت متوجه خواهید شد: دقیقاً همان چیزی بود که قرار بود اکنون باشد. بنابراین می‌توانید مطمئن باشید که خداوند در راهنمایی ما در آنجا نقش داشته است. شمعون پطرس نیز متوجه این موضوع می‌شود: او دقیقاً به همین صورت می‌بیند و می‌فهمد که عیسی توسط خدا فرستاده شده است.

## روخوانی انجیل لوقا باب ۵ آیات ۸-۱۰

۸. وقتی شمعون پطرس متوجه شد که چه اتفاقی افتاده است، پیش عیسی زانو زد و عرض کرد: «ای خداوند، از پیش من برو چون من خطاکارم.

۹. او و همه همکارانش از صیدی که شده بود، متحیر بودند.

۱۰. همکاران او یعقوب و یوحنا، پسران زبدي نیز همان حال را داشتند. عیسی به شمعون فرمود: نترس؛ از این پس مردم را صید خواهی کرد.

درک اینکه او فقط با خدا ملاقات داشته است، (شمعون) را می‌ترساند. شاید این برای ما دشوار است که امروز درک کنیم، وقتی فرض کنیم که هیچ چیزی برای ترسیدن از خدا نداریم چون او رحیم است و با چشمانی مهربان به ما نگاه می‌کند. ولی شمعون یهودی، از این که چگونه الیاس و موسی با خدا آشنا شده‌اند و هر دو چهره خود را پوشانده‌اند را میداند، چراکه در غیر این صورت از دیدن شکوه و جلال خود جان سالم به در نخواهند برد. و بدین ترتیب (شمعون) تنها کاری را که می‌تواند انجام دهد، انجام می‌دهد: او قبل از مسیح سقوط می‌کند، فرستاده خدا، و از او می‌خواهد که زندگی اش را نجات دهد عیسی پاسخ می‌دهد که چگونه پیامبران خدا این کار را انجام می‌دهند:

روحانی انجیل لوقا باب ۵ آیات ۱۱-۱۰

۱۰. همکاران او یعقوب و یوحنا، پسران زبدي نیز همان حال را داشتند. عیسی به شمعون فرمود: «نترس؛ از این پس مردم را صید خواهی کرد.

۱۱. به محض اینکه قایقها را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کردند و به دنبال او رفتند.

قابل توجه است که در اینجا درخواست تجدید نظر وجود ندارد. عیسی نمی‌گوید: "با من بیا و ماهیگیر شو!" نه، آنچه عیسی می‌گوید بیشتر یک قول است: "از این پس مردم را به دام اندازید یعنی با مردم شروع کن. حداقل در نگاه اول کمی عجیب به نظر می‌رسد. به دام انداختن؟ آیا عیسی فقط در خطبه تحلیف خود نگفت که می‌خواهد نجات یافته را نجات دهد؟ و آیا برای کشتن آنها ماهی نمی‌گیری؟ من فکر می‌کنم مقایسه اینجا از حرفه اصلی اولین حواریون انتخاب شده است. و اگر این کلمه به شما اطمینان داده است و از هر مورد استفاده در اینجا در زبان یونانی می‌تواند به معنی "زنده نگه داشتن" و "زنده کردن" می‌باشد. و بعد همه چیز کمی امیدوارکننده به نظر می‌رسد. فکر می‌کنم مهم‌ترین چیز این است: مسیح به سرعت متوجه شد: عیسی خیلی سریع فهمید: افراد زیادی وجود دارد که باید آنها را به گفتار خوب خدا بگویند که به کمک احتیاج دارم و به آنها کمک خواهد شد. به ویژه با توجه به این واقعیت که زمان او به شکل انسانی بسیار محدود بوده است. و مسیح به او کمک می‌کند. جالب آنکه، نزد کاتبان، عالمان الهی، که ظاهراً با کلام خدا آشنا هستند، نه با مردمی که عادی هستند. نه با ریاکاران! آنهایی که تصور می‌کنند برای این کار بسیار مناسب هستند، زیرا می‌کوشند که با نهایت تقدس و بی‌عیب و نقص زندگی کنند. "نه با فریسیان، کسانی که قرار است به خصوص با علت سازگار باشند، زیرا سعی می‌کنند تا اینگونه با تقوا و بی‌عیب و نقص زندگی کنند، اما این پطرس است که از خود می‌گوید: "من آدم گناهکار هستم!"

حواریون اول قول خدا را پذیرفتند: آنها همه چیز را رها کردند و از عیسی پیروی کردند و به این ترتیب کلام خدا می‌تواند به طور گسترده تری در بین مردم پخش شود. تا امروز تا اینجا در آیفل (Eifel).

و این ما را به سؤالی که در ابتدا پرسیدیم برمی گرداند: آیا کلیسا هنوز می تواند نجات یابد یا ویران خواهد شد؟ اگر من یک چیز را از این داستان یاد بگیرم ، این است: کلیسا واقعاً تنها یک وظیفه دارد: این است که علت عیسی را در اینجا بر روی زمین ، از نسلی به نسل دیگر ، از فردی به شخص دیگر را ادامه دهیم ، و کلام خدا را به هر کس که می خواهد آن را بشنود ، را بگذارد. و کلیسا متکلمان و کشیشانی نیستند که قرار است در این امر خصوصاً خوب باشند. کلیسا ، همه ما با هم یا بهتر بگوییم هر کدام از ما هستیم . و اینک نوبت توست که همه چیز را پشت سر بگذاری ؟ هر عقیده‌ای که دیگران می‌توانند بهتر از تو انجام دهند این است یا اینکه تو اصلاً مهم نیستی ، یا چیزی برای گفتن نداری ؟ ایا آماده هستی که با راهنمایی خدایت درگیر شوی ، حتی اگر راههایی که آن‌ها را به آن‌ها می‌فرستد ، گاهی به نظر می‌رسد که با عقل جور در نمی‌آید ؟ وقتی خدا با تو آشنا شد آماده هستی که وقت دیدار را تشخیص بدی ؟ آیا شما آماده هستید که نسبت به افرادی که یکدیگر را ملاقات کرده‌اید و با آن‌ها ارتباط برقرار کنید ، مهربان باشید ؟ منظورم این است که حالا می‌خواهم در کلیسا موعظه کنم . به هر حال هیچ‌کس اینجا نیست . مهم‌تر از همه اینه که تو این کار رو می‌کنی که مردم به کلیسا بروند ، با کرونا یا بدون آن: به هر حال هیچ‌کس اینجا نیست . مهم‌تر از این که شما این کار را در جایی انجام دهید که افرادی که به کلیسا می‌آیند ، تاج افتخار باشند یا نه : وقتی به همسایه بیمار خود مراجعه می‌کنید ، یک کلمه آرامش‌بخش بگویید . داستان انجیل را به نوه خود بگویید . یک لغت باز که باعث می‌شود کسانی که ترس از ترس را در جای خود پخش می‌کنند.

آیا شما در حال حاضر انجام می دهید؟ خوب ، پس من نگران آینده کلیسای خود نیستم. اگر اینطور نیست ، خوب ، قبل از اینکه با عیسی درگیر شوند ، شمعون و سایر افراد صیادان عادی بودند. بنابراین: آنچه نیست ، هنوز هم می تواند باشد. زیرا همانطور که من عیسی را می شناسم ، او همچنان به یافتن راه ها و ابزارها و مردم برای پخش کلام خدا در جهان خواهد پرداخت. من از آن مطمئن هستم.

آمین

و آرامش خدا که بالاتر از همه عقل است ، قلب و ذهن ما را در عیسی مسیح نگه دار. آمین

